

بررسی میزان انگیزه آموختن در دانشجویان رشته های توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰.

چکیده

هدف: انگیزه آموختن دانشجویان به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های دانشگاه‌ها، اثرات زیادی بر برون‌داد سیستم‌های آموزشی دارد. با توجه به حیاتی بودن عملکرد فارغ‌التحصیلان رشته‌های توانبخشی، این مطالعه با هدف تعیین میزان انگیزه آموختن با تمرکز بر ابعاد خودتوانا پنداری، خودگردانی و تواناییهای ارتباطی در دانشجویان رشته های مختلف توانبخشی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی انجام شد.

روش بررسی: طی يك پژوهش توصیفی- مقطعی، در دانشجویان رشته های توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که با روش نمونه گیری تمام شماری وارد مطالعه شدند، پرسشنامه (روایی و پایایی) انگیزه آموختن اجرا شد. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های توصیفی، آزمون تی مستقل، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یکراهه استفاده شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار انگیزه آموختن دانشجویان مورد مطالعه $17/838 \pm 109/853$ (از مجموع حداکثر ۲۲۰ امتیاز) بود. دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی بالاترین امتیاز انگیزه آموختن و دانشجویان رشته های ارتوپدی فنی، کاردرمانی، فیزیوتراپی و گفتار درمانی در مراتب بعدی قرار داشتند و بر اساس آزمون آنالیز واریانس اختلاف میانگین (نمره انگیزه آموختن در گروه‌های کارشناسی $F=3/085$; $sig=0/016$) ارشد و دکتری بیش از دانشجویان کارشناسی بود. بین انگیزه آموختن دانشجویان و هر یک از متغیرهای سن، جنسیت و وضعیت تاهل اختلاف معناداری مشاهده شد ($p=0/01$).

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت انگیزه دانشجویان در ابعاد خودتوانا پنداری، خودگردانی و تواناییهای ارتباطی پیشنهاد می‌گردد، برنامه های را برای توسعه این ویژگی ها با روش هم آموزی بر اساس نظریه سازایی‌گری اجتماعی اجرا شود.

کلید واژه ها: انگیزه آموختن/ خودتوانا پنداری/ خودگردانی/ تواناییهای ارتباطی/ رشته های توانبخشی